

بهار کشور

آمد بهار و کشور ما ز آن خبر نشد
ملت بخون بخفته و کس، نوحه گر نشد
ترک وطن نموده اند، هزاران همدیار
همسایه ها به حکم خدا جلوه گر نشد
از انحلال اردوی ما دست خائنی
میهن خراب گشت و بر آن یک نظر نشد
در کشورم رسیده جنایات به اوج خود
هیچ یک ز جانیان ، همی دادگر نشد
هر تیکه دار به چور و چپاول کند تلاش
یک فرد حاکمان، ز قتل و قتال بر حذر نشد
گرگان پست فطرت و سفاک ملک ما
از قتل عام مردم ما، دست بر نشد
بر قلب همچو سنگ ز مامدار کشورم
اشک یتیم و قتل جوانان ، کارگر نشد
شد سالها به یاد وطن ناله می‌کنی
حاصل زناله ها، بجز از درد سر نشد
چون "حیدری" شنید ز جنایات طالبان
گفتا که این بهار به نظر با ثمر نشد

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۲۲، ۶، ۲، سدنی